اخلاق پزشکی در ایران باستان

آرمان زرگران، عبدالعلی محقق‌زاده، یونس قاسمی، محمدحسین مروت[*]

چکیده

موقعیت خاص اقلیمی ایران در طول تاریخ پر فراز و نشیب آن موجب هجوم بسیاری از اقوام همسایه و نابودی اکثر منابع و آثار مکتوب دوران‌های گذشته شده است. از جمله این دوره‌های تاریخی، ادوار باستانی ایران از شروع تاریخ تا ورود دین مبین اسلام است. این امر موجب گشته بسیاری از علوم و شاخه‌های فکری آن دوران در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد و این خود فرصت به دست غربیان داده تا خاستگاه و اعتلا دهنده علم، دانش و فلسفه را یونان بدانند. یکی از این شاخه‌ها اخلاق پزشکی است. در این مقاله بر آن شدیم تا در حد امکان پرده از چگونگی، مقررات و اصول اخلاق پزشکی موجود در ایران باستان برداریم. در این راه به مطالعه و بررسی کتاب‌ها و آثار باستانی ایرانی به جای مانده از دوران پیش از اسلام نظیر گاتهای اوستا، وندیداد، ارداویراف نامه، دینکرد

---

* گروه فارماکوگنوزی دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی شیراز
گروه اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

و کتیبه‌ها، همچنین آثار یونانی و رومی در زمینه تاریخ ایران مانند آثاری از هرودوت، گزنفون، پلوتارک و کتزیاس و آثار پژوهشگران متاخر پرداخته شد. در آخر طرحی کلی شامل قوانین و اصول پزشکی ارائه گردید که به اجمال عبارت است از ۱- اخلاق پزشکان مانند: معالجه به قصد پاداش اخروی و لزوم عیادت روزانه پزشک از بیمار، ۲- قوانین نظام پزشکی مانند: اجازه نامه طبابت، ۳- مجازات کاربرد زهرها مانند: نمونه‌هایی از کاربرد زهر در ایران باستان، انواع زهرها و پادزهرها و قوانین موجود در این رابطه و٤- بارداری و سقط جنین مانند قوانین و تسهیلات دولتی و اجتماعی در مورد زنان باردار و احکام و مجازات سقط جنین. بدین ترتیب با ارائه شواهد و نشانه‌های وجود این شاخه اخلاقی در دوران‌های بسیار دور و نظام حاکم بر آن، عمق و غنای اخلاق در جامعه پزشکی ایران در زمانهای بسیار دورتر از شروع آن در غرب نشان داده می‌شود.

واژگان کلیدی: اخلاق پزشکی، ایران باستان، مقررات اجتماعی

مقدمه

مرور زمان و هجوم دیگر اقوام همسایه در طول تاریخ پر فراز و نشیب ایران موجب گشته اکثر منابع و کتب ایرانی به خصوص مربوط به ادوار باستانی تا قبل از هجوم اعراب و ورود اسلام به ایران (قرن ۷ میلادی) نابود گردد و امروزه منابع جامعی از دست آوردهای علمی ایرانیان باستان موجود نباشد. اما این بدان معنا نیست که با تامل و تدبر در اندک آثار بجای مانده و نیز استفاده از آثار یونانی، رومی و اسلامی مرتبط با ادوار باستانی ایران وجود وحتی اصول و شکل این علوم را در آن زمان نتوان اثبات و مشخص نمود. از جمله این موارد، اخلاق در پزشکی ایران باستان است. در این مقاله سعی بر آن است که با مطالعه و کنکاش در آثار به جای مانده از جمله گاتهای زرتشت، وندیداد، بندهش، دینکرد، ارداویراف نامه، ظفرنامه، کتیبه‌های به جای مانده، آثار هردوت، گزنفون، کتزیاس و پلوتارک و نیز آثار پژوهشگران متاخر مانند کریستین سن و ابوالکلام آزاد طرحی جامع و کلی از اصول اخلاقی و قوانین موجود در جامعه پزشکی ایران باستان ارائه شود.

از آنجا که وجود پزشکان و نظام پزشکی اخلاقمند در گرو آن است که جامعه ایرانی از لحاظ اخلاقی نیرومند باشد و در واقع بستر مناسب جهت

وجود و تعمیم اخلاق به رشته پزشکی مهیا باشد، بخش نخستین این مقاله به بحث در وضعیت اخلاقی جامعه ایران باستان به خصوص دوران هخامنشی و ساسانی با توجه به آثار و نشانه‌های موجود اختصاص داده شده است.

۱- اخلاق در جامعه ایران باستان

۱-۱- تعلیم و تربیت

هرودوت، تاریخ نگار یونانی (قرن ٤ پ. م.)، پدر تاریخ جهان و فردی مغرض که در جای جای اثرش سعی در خوار جلوه دادن ایرانیان داشته و حتی ایشان را بربر خوانده نیز نتوانسته از اذعان به اخلاق والای ایرانیان خودداری کند و در کتاب خود بارها خصیصه ایشان را ستوده است. در بسیاری آثار دیگر نیز همواره مسئله شرافت، راستگویی و خصایل نیک ایرانیان تاکید و تایید شده است. یکی از علل این مهم را می‌توان در تعلیم اخلاقیات از کودکی و توجه خاص پارسیان به این مهم دانست. از این روست که گزنفون[1] در توصیف جامعه پارسی مقارن با کورش کبیر، اولین پادشاه هخامنشی، می‌نویسد: «کودکان به مدرسه می‌روند تا راه عدالت و پرهیزگاری بیاموزند.[2]» همچنین هرودوت در مورد اساسی ترین اصول

[1]- مورخ یونانی، قرن ۳ ق. م.

[2]- سیرت کورش کبیر، گزنفون، ص۱۳

مورد تعلیم در میان پارسیان در طول مدت تربیت می‌نویسد: «دوره تربیت کودکان بین ۵ و ۲۵ سالگی است و سه کار به آنها می‌آموزند اسب سواری، تیراندازی و راستگویی[۳].» این موارد همگی به ابتدای دوره هخامنشی بر می گردد حال در ادامه با آشنایی با وضعیت اخلاقی جامعه هخامنشی، ارزش و اهمیت این نوع تعلیم و تربیت بیشتر مشخص می‌گردد.

۱-۲- اخلاق در جامعه

یکی از مهمترین اصول اخلاقی ایرانیان به ویژه نزد پارسیان اجتناب از دروغگویی بوده است هردوت در این باره می‌گوید: «در نزد ایشان آنچه انجامش حرام است ذکرش نیز مکروه است و بدترین کارها دروغگویی است...[۴]» رسوخ عقیده دوری از دروغ تا بدانجا بوده که داریوش، شاه بزرگ هخامنشی در دعای معروف خود در کتیبه مکشوفه در دیوار جنوبی تخت جمشید (کد DPd) می‌گوید: «اهورامزدا این کشور را بپاید از: دشمن، خشکسالی و از دروغ[۵]» و یا در بیستون به شاهان بعد از خود چنین وصیت می‌کند: «داریوش شاه گوید: تو که پس از این شاه خواهی

---

[۳]- تواریخ، هردوت، ص۷۵

[۴]- همان، ص۷٦

[۵]- کتیبه‌های هخامنشی، رضا مرادی غیاث آبادی، ص۲۰۸

شد از دروغ بپرهیز. کسی را که دروغ می‌گوید به سختی مجازات کن، اگر فکر می‌کنی که کشور من باید بی گزند بماند[٦]» همچنین در کتاب ظفرنامه که شامل پندهایی از بوذرجمهور وزیر دانشمند ساسانی به خسرو انوشیروان[٧] است چنین آمده است: «گفتم چه چیز است که مروت را تباه کند، گفت چهار چیز است، مهتران را بخیلی و دانشمندان را عجب و زنان را بی شرمی و مردان را دروغ.[٨]» همچنین است حرمت خاصی که ایرانیان به آب می‌گذاشته اند: «ایشان به آب روان حرمتی خاص می‌گذارند و هیچ گاه در آب جاری تف نمی‌اندازند یا قضای حاجت نمی‌کنند و حتی دست خود را در آب روان نمی‌شویند و دیگران را نیز از آن کار منع می‌کنند.[٩]» رفتار عمومی پارسیان نیز در انظار عمومی آراسته و شایسته بوده است از جمله «احدی مجاز نیست جلو دیگران استفراغ یا قضای حاجت کند.[١٠]» و یا «[کوروش] مقرر داشت درباریانش در انظار دیگران آب دهان نیاندازند و یا بینی پاک نکنند... [١١]»، همچنین رفتار ایرانیان در مقابل پادشاهان قرین

[٦]- همان، ص۲۰۲

[٧]- پادشاه ساسانی

[٨]- ظفرنامه، دکتر غلامحسین صدیقی، ص۹

[٩]- تواریخ، هرودوت، ص٧٦

[١٠]- همان، ص٧٥

[١١]- سیرت کوروش کبیر، گزنفون، ٣١٤

احترام بوده، توصیف هرودوت درباره بارگاه پادشاهی دیاکو، اولین شاه ماد(قرن ۷ ق. م.) شاهد این مدعاست «خندیدن و یا تف انداختن در حریم شاهی گناه به شمار می‌آمد[۱۲]». احترام به پدر و مادر را نیز در پندهای بوذرجمهر می‌توان یافت «گفتم از فرمان‌ها کدام است که خوار نباید داشت، گفت چهار فرمان، فرمان خدای تعالی و فرمان هوشیاران و فرمان پادشاه و فرمان پدر و مادر[۱۳]» و یا «خواسته از بهر چه باید، گفت تا حق خویشان و نزدیکان بدان بگذاری و به سوی پدر و مادر ذخیره بفرستی... [۱٤]». جایگاه اخلاقیات نزد پارسیان تا بدانجا بوده که بازتاب آن را در رفتار پادشاهان نیز می‌توان دید چنانکه حتی در قرآن کریم سوره کهف، کوروش هخامنشی را با لقب ذوالقرنین به علت رفتار و منشش ستوده است[۱۵]. همچنین است بعضی روایات که از دنیای باستان به جای مانده، از جمله به گفته هرودوت، خشایارشا در اظهار ندامت به رفتاری که نسبت به عموی خود ارتبان در مورد جنگ با یونانیان داشته در جمع بزرگان پارس چنین می‌گوید: «وقتی بیانات ارتبان را شنیدم زود خون

[۱۲]- تواریخ، هردوت، ص٦۰

[۱۳]- ظفرنامه، دکتر غلامحسین صدیقی، ص۸

[۱٤]- همان، ص‌ص۱۹و۲۰

[۱۵]- مراجعه شود به کتاب کورش کبیر (ذوالقرنین)، ابوالکلام آزاد

جوانی در رگهای من به جوش آمد و سخنان درشتی زدم که سزاوار نبود مرد جوانی به بزرگتر از خود بگوید[۱٦].» همچنین خشایارشا در جواب اسپارتیانی که لاکدمونیها[۱۷] فرستاده بودند تا شاه ایران به خونبهای قتل سفیران ایرانی بدست ایشان بکشد چنین رفتار می‌کند: «خشایارشا در نهایت بزرگواری گفت به هیچ روی قصد ندارم مثل اسپارتیها رفتار کنم و با قتل رسولان یک دولت خارجی، اصولی را که در نزد همه اقوام محترم و گرامی است زیرپا بگذارم و هرگز به عملی که خودم آنرا مستوجب سرزنش می‌دانم مبادرت نمی‌ورزم[۱۸].» در سخت گیری و اهمیت اجرای عدالت و راستی نیز در دوران هخامنشی آمده است که «کمبوجیه برای پدر اتانس به نام سیسام (سیسامنس) حکم اعدام صادر کرده بود. او یکی از داوران شاهی بود که پادشاه به جرم رشوه خواری و اختلال در کار عدل و داد فرمان داد پوست از تنش کنده و با قطعات آن، کرسی دادگاهی را که او بر روی آن جلوس می‌کرد، روکش کردند. سپس کمبوجیه پسرش را به

[۱٦] - تواریخ، هردوت، ص۳۵۸

[۱۷] - قوم اسپارت

[۱۸] - تواریخ، هرودوت، ص۲۱۱

جای پدر گماشت و تاکید فرمود که همواره به یاد داشته باش که روکش کرسی دادگاه از چه جنسی ساخته شده است[۱۹].»

نشانه‌های فوق به روشنی نشان می‌دهد جامعه ایرانی به ویژه پارس‌ها که بدلیل اهمیت ویژه در دوران هخامنشی و ساسانی گفته‌های مورخین خارجی از رفتار و منش آنها به جای مانده، جامعه‌ای فرهیخته، پایبند به اصول والای اخلاقی و محترم نزد اقوام دیگر بوده است. چه، بسیاری از نوشتار بالا اعترافات یونانیانی است که دشمنان ایرانیان بوده‌اند و با تمام توان سعی در تضعیف پارسیان داشته‌اند. حال با توجه به اهمیت اخلاق در جامعه ایران باستان، نفوذ آن در علوم پزشکی بعید به نظر نمی‌رسد. سطور آینده سعی در آن داردکه وضعیت اخلاق پزشکی در ایران باستان را در حد توان روشن سازد.

۲- اخلاق پزشکی و نظام پزشکی

۲-۱- نظام پزشکی ایران باستان

قبل از پرداختن به اخلاق پزشکی مروری کوتاه بر ساختار نظام پزشکی ایران باستان لازم است. بررسی‌ها نشان از آن دارد که علوم پزشکی در ایران باستان ساختاری کاملا نظام‌مند داشته و شاخه‌ها و حدود

[۱۹]- همان، ص۳۰۳

تعریف شده داشته است. وجود اخلاق پزشکی درون دستگاهی این چنین نظام مند و با توجه به وضعیت اخلاقی جامعه ایرانی دور از ذهن بـه نظـر نمی‌رسد. ساختار مذکور به صورت نموداری بـه صـورت گـذرا مشـاهده می‌شود[۲۰].

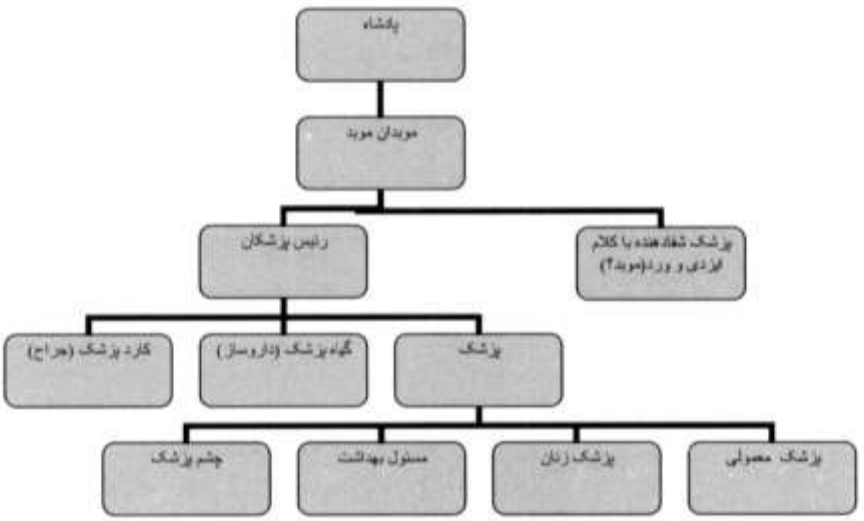

نمودار ۱: ساختار نظام پزشکی در ایران باستان

۲-۲- اخلاق پزشکی

[۲۰]- این نمودار با تغییرات برگرفته از مقاله کنکاشی در علوم پزشکی باستانی ایران. در: مجموعه مقالات به مناسبت بزرگداشت استاد دکتر محمد رضا محرری چاپ و منتشر گردیده است.

از مهمترین منابعی که اصول اخلاقی پزشک را نشان می‌دهد باب برزویه طبیب از کلیله و دمنه است که وی، رئیس پزشکان خسرو انوشیروان ساسانی، نوشته است. از جمله ذکر شده است «و در کتب طب آورده‌اند که فاضلتر اطبا آنست که بر معالجت از جهت ذخیرت آخرت مواظبت نماید، که بملازمت این سیرت، نصیب دنیا هر چه کاملتر بیابد و رستگاری عقبی مدخر گردد؛ چنانکه غرض کشاورز در پراکندن تخم، دانه باشد که قوت اوست، اما کاه که علف ستوران است به تبع آن هم حاصل آید[۲۱].» در دینکرد نیز تقسیم بندی اطبا را بر اساس عمل آنها برای خدا آورده است:«بهترین پزشک آن است که این شغل را فقط برای خدا و برای ثواب پیش گرفته باشد؛ پس از او طبیبی بود که هم به مال تعلق خاطر داشت هم به ثواب، مشروط بر اینکه دلبستگی او به پول کمتر از تعلق او به کارهای نیک باشد؛ فروتر از او طبیبی بود که جز به مال دنیا به چیزی دلبستگی نداشت.»[۲۲] همچنین در ظفرنامه حریصی را برای عالمان از زشت ترین امور در جهان ذکر می‌کند: «گفتم اندر جهان چه زشت تر، گفت

---

[۲۱]- کلیله و دمنه، به تصحیح مجتبی مینوی طهرانی، ص٤٤

[۲۲]- ایران در زمان ساسانیان، کریستین‌سن، ص٤٠٨، به نقل از دینکرد

تندی از پادشاهان و حریصی از عالمان و بخیلی از توانگران[۲۳]» گذشته از این موارد دینکرد متذکر می‌شود که «طبیب نبایستی پول را خیلی دوست بدارد[۲٤]»

موارد فوق به خوبی نشان می‌دهد که در ایران باستان شأن طبابت حرفه‌ای مقدس بوده است و یک پزشک می‌بایستی با توجه به این اصل که حرفه او جنبه مقدس دارد به ثواب اخروی آن چشم داشته باشد نه مطامع دنیوی و هدف خود را نجات بندگان خدا برای رضای حضرت حق قرار دهد. حال بعد از بررسی ابعاد عمومی اخلاق پزشکی به بعضی جنبه‌های مرتبط با اخلاق پزشکی پرداخته می‌شود.

۳-۲-آزمون و اجازه نامه طبابت

امروزه تبدیل علم پزشکی از حالت اوهام و خرافی به شکل یک حرفه مقدس و علمی را عموماً به یونانیان نسبت می‌دهند و حتی سوگندنامه بقراط تا به امروز باقی و متداول مانده است. اما با نگاه به اندک نشانه‌های باقی مانده از ایران باستان علی رغم اینکه کتابهای علمی و تخصصی آن دوران در این زمینه باقی نمانده، شواهدی دال بر اینکه دریافت مجوز پزشکی برای دانشجویان این رشته طی مراحلی را نیاز داشته، بدست

---

[۲۳] - ظفرنامه، دکتر غلامحسین صدیقی، ص۱۲

[۲٤] - ایران در زمان ساسانیان، کریستین‌سن، ص٤۰۸، به نقل از دینکرد

می‌آید. به عنوان نمونه در فرگرد ۷ از وندیداد، بندهای ۳٦ الی ٤٠، آزمون بالینی کارآموزان پزشکی برای دریافت اجازه طبابت شرح داده شده است و شرط آن را درمان ۳ دیوپرست با کارد (جراحی) دانسته که اگر موفق شوند آن سه نفر را درمان کنند اجازه طبابت خواهند یافت ولی اگر آن سه بمیرند حق طبابت نخواهند داشت و در صورت اقدام به طبابت، مجازات ایشان مرگ اعلام شده است. در ادامه بند ۳۷، قسمتی از بند ۳۸ و بند ۳۹ را می‌بینیم:

«بند ۳۷: اهوره‌مزدا پاسخ داد:

بهتر آن است که نخستین بار کارآزمودگی و چیره دستی خویش را بر دیوپرستان بیازماید تا بر مزدا پرستان. اگر ۳بار هنگام درمان دیوپرستان با کارد، بیمار بمیرد، آن مزداپرست همواره پزشکی ناشایسته است.

بند۳۸:... اگر او به درمان مزداپرستان دست زند یا مزداپرستان را با کارد درمان کند، پادافره گناه کشتن آگاهانه بر او رواست.

بند ۳۹: اگر او ۳ بار دیوپرستان را با کارد درمان کند و بیمار تندرستی خویش را بازیابد، از آن پس همواره پزشکی شایسته است.[۲۵]»

[۲۵]- اوستا، جمع آوری وتصحیح جلیل دوستخواه، صص۷۳۵و۷۳٦

آرتور کریستن سن، ایران شناس معروف دانمارکی، نیز در کتاب خود معتقد است «یک نوع شهادتنامه و اجازه‌ای به اطبا می دادند[۲٦]» همچنین برای تحقیقات پزشکی و احتمالا آزمون‌های بالینی پزشکی از محکومین به اعدام استفاده می‌شده است. در این رابطه در دینکرد آمده است: «مجرمان و جانیان مستحق اعدام را، برای استفاده طبی زنده نگه می‌داشتند.[۲۷]»

۳- حقوق بیمار

حقوق بیمار نیز در پزشکی ایران باستان مورد توجه بوده است از جمله «طبیب مجبور بود که در موقع لزوم هر روز به عیادت مریض خود برود[۲۸]». در ادامه، این مبحث را با محوریت دو موضوع بارداری و سقط جنین پی می‌گیریم:

۱-۳- بارداری

در ایران باستان و زبان پهلوی[۲۹] از واژه‌های ham-bavišn1h (باردارشدن) و āvartāk1h (بارداری)[۳۰] برای بارداری استفاده می‌شده است

[۲٦]- ایران در زمان ساسانیان، کریستین‌سن، ص٤٠٧

[۲۷]- ایران در زمان ساسانیان، کریستین‌سن، ص٤٠٨، به نقل از دینکرد

[۲۸]- همان

[۲۹]- زبان دوران ساسانی

[۳۰]- فرهنگ پهلوی به فارسی، دکتر فره وشی، ص ٥٤

در حالیکه بسیاری از جوامع پیشرفته سعی در حمایت‌های اجتماعی و مالی از زنان باردار دارند ایرانیان باستان بیش از ۲۵۰۰ سال پیش دارای قوانین مدنی حمایتی از بانوان باردار بوده‌اند. مطالعات ایران شناس آلمانی، پرفسور هاید ماری کخ، بر روی لوحه‌های گلی مکشوفه در خزانه تخت جمشید نتایج بسیار جالب توجهی را در این زمینه بدست می‌دهد از جمله «مرخصی بارداری ظاهرا ۵ ماه بود.[۳۱]» و همچنین «زن‌ها با به دنیا آوردن کودک برای مدتی از کار در بیرون معاف می‌شدند.[۳۲]» حمایت‌های مالی دولت نیز برای نوزادان تازه به دنیا آمده برقرار بوده است «اضافه حقوق برای نوزادان پسر[نسبت به نوزادان دختر] برابر، یعنی ۲۰ لیتر جو و ۱۰لیتر شراب یا آب جو بود.[۳۳]» همچنین «مادران از مرخصی و حقوق زایمان و نیز حق اولاد استفاده می‌کرده‌اند.[۳٤]» نکات فوق نشان می‌دهد ابتکار حمایت از زنان باردار یا اختصاص اضافه حقوق برای والدین فرزندان جهت حمایت از نوزادانشان مربوط به دولت‌های پیشرفته امروزی

[۳۱]- از زبان داریوش، هاید ماری کخ، ص۲۷۱

[۳۲]- همان، ص ۲۷۰

[۳۳]- همان، ص ۲۷۱

[۳٤]- همان، ص۳٤٦

نیست بلکه ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح جزو قوانین جاری کشور ایران بوده است.

۲-۳- سقط جنین

موضوع دیگری که مسائل اخلاقی بسیاری را حتی امروزه در پی دارد مسئله سقط جنین است. در ایران باستان (پهلوی ساسانی) از واژه‌های zahak = gawr = daštak(جنین)، tačišnōmand (جنین افکن، امری که موجب سقط جنین شود) و nasā (جنین سقط شده) در این رابطه استفاده می‌شده است[۳۵].

برخورد ایرانیان باستان و موضع گیری ایشان را در این مورد به خوبی می‌توان در وندیداد و آموزه‌های دینی زرتشتی یافت، چنانکه گناه و عقوبت عدم توجه به سلامت جنین در رحم مادر چنین ذکر شده است: «اگر او (کسی که با زنی همخوابگی کند) چنان که سزاوار است از زن نگهداری نکند و گزندی به کودک برسد، برای سرباز زدن از نگهداری شایسته، پادافره گناه کشتن آگاهانه بر او رواست[۳٦].» همچنین در جایی دیگر با نام بردن گیاهان مورد استفاده در سقط جنین و تعیین میزان گناه زن و مرد و آنکه عمل سقط جنین را انجام می‌دهد این عمل را به شدت

---

[۳۵]- فرهنگ پهلوی به فارسی، دکتر فره مشی، ص۱۷۲

[۳٦]- اوستا، وندیداد، فرگرد ۱۵، بند۱٦، ص۸۲۸

نکوهش می‌کند: «اگر مردی با دختری دوشیزه یا بانویی جوان، خواه آن دختر یا بانو وابسته به سالار خانواده باشد یا نه، خواه به شوهر داده شده باشد یا نه، همخوابگی کند و آن دختر یا بانو از او آبستن شود و بگوید: تو مرا آبستن کردی و مرد پاسخ دهد: به جست و جوی پیرزنی برآی و از او بخواه که دشتک[۳۷] ترا بیاندازد. و زن نزد پیرزن برود و از او بخواهد که دشتک را بیاندازد و پیرزن بنگ یا شَتَ یا غُنانَ یا فَرَسپاتَ یا داروهای دیگر که دشتک را می‌اندازد، بدو بدهد و مرد بگوید: میوه زندگی خود را دور بیانداز و او میوه زندگی خود را دور بیاندازد، گناه این کار به یکسان بر گردن ۳تن است: مرد، زن، پیرزن.»[۳۸]

سطور فوق انزجار جامعه باستانی ایران را از سقط جنین و حتی انعکاس آن را در آموزه‌های دینی ایشان به خوبی بازگو می‌کند. بعد از سقط جنین یکی دیگر از مسائلی که ارتباط زیادی با مسائل اخلاقی در پزشکی دارد زهر شناسی و قوانین مرتبط با آن است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴- زهر شناسی و قوانین مرتبط با آن

---

[۳۷]- جنین

[۳۸]- اوستا، وندیداد، فرگرد ۱۵، بند۱۳و۱٤، ص۸۲۸

۱-٤- زهرشناسی

در زبان پهلوی از واژه‌های[۳۹] viš = zahr (زهر)، višōmand (زهرآلود)، zahr kartar (زهرساز) و pāt-zahr (پادزهر) در بحث سم شناسی استفاده شده است.

در اینجا به چند نشانه از وجود این دانش در ایران باستان از کتب ایرانی ویونانی اشاره می‌شود.

- اشاره به مسموم کردن استاتیرا، ملکه هخامنشی (همسر اردشیر دوم هخامنشی)، توسط پاروساتیس، مادر شاه درکتاب کتزیاس، پزشک اردشیر هخامنشی[٤٠].
- پلوتارک، نیز ماجرای بالا را شرح داده است[٤١].
- «مؤلف [کتزیاس] می‌نویسد که پاریزاتیس[٤٢] پسر تری‌توخمس را با زهر به قتل رسانید[٤٣].»

[۳۹]- کلمات یاد شده از کتاب فرهنگ پهلوی به فارسی دکتر فره وشی صفحات۹۷و ۲۸۸ گرفته شده است

[٤٠]- خلاصه تاریخ کتزیاس، ص١١٤

[٤١]- برگرفته از کتاب ایرانیان و یونانیان، پلوتارک، ص٢١١

[٤٢]- پاروساتیس - پروشات

[٤٣]- خلاصه تاریخ کتزیاس، ص١٠٢

• «موزا (ملکه رومی فرهاد چهارم اشکانی) برای آنکه از تمامی مشکلات رهایی یابد، بعدا شوهرش را نیز مسموم کرد تا بدین نحو، پسرش، فرهاد پنجم ملقب به فرهادک، حدود ۲ یا ۳ ق. م بر تخت جلوس کند[44].»

از جمله سمومی که در ایران باستان استفاده می‌شده می‌توان به این موارد اشاره کرد.

الف-گرگ خفه کن- خانق‌الذئب (Aconitum napellus[45]):

«پسر دیگرش (پسر دیگر ارد پنجم اشکانی) فراهات، که در آرزوی کشتن او بود گیاه گرگ خفه کن به او داد و قضا را این زهر درمان آن درد بود و پادشاه از استسقا بهبودی یافت[46].»

ب- بیش(Aconitum ferox[47])

ج- بلادر(Semecarpus anacardium[48]) در بندهش آمده است:

---

[44]- مبانی تاریخ پارتیان، کلاوس شیمپان، ص۵۵

[45]- صیدنه ابوریحان بیرونی، ، ص٤٦٧

[46]- ایرانیان و یونانیان، پلوتارک، ص٤٤٧

[47]- صیدنه ابوریحان بیرونی، ص۳۵۲

[48]- همان، ص۳۲۹

«بیش و بلادر که زهر دارند و مردم و گوسفندی که از آنها خورد، میرد[۴۹].»

د- خون گاو نر

در خلاصه‌ای که فوتیوس بر کتاب کتزیاس، پزشک اردشیر اول هخامنشی نوشته، نحوه کشتن تانیوخارکس (بردیا) فرزند کوروش به فرمان برادرش کمبوجیه را چنین وصف می‌کند:

«... و به تانیوخارکس خون گاو نر خورانیدند تا مرد[۵۰].»

در مورد سرانجام پسامتیخ، فرعون مصر، نیز که بعد از مغلوب شدن در جنگ با کمبوجیه مورد عفو قرار گرفته بود ولی دست به تحریک مصریان برای شورش علیه شاه ایران زد هرودوت چنین می‌گوید:

«وی [پسامتیخ] در حینی که مصریان را ترغیب به شورش می‌کرد دستگیر شد و همین که در نظر کمبوجیه گناهش به ثبوت پیوست مجبورش کردند خون گاو نر بنوشد و زود جان داد[۵۱].»

۲-٤- نکوهش و مجازات زهر دهندگان در ایران باستان

---

[۴۹]- پندهش، فرنبغ دادگی، ص۸٦

[۵۰]- خلاصه تاریخ کتزیاس، ص٤٤

[۵۱]- تواریخ، هردوت، ص‌ص۱۹۷و۱۹۸

استفاده از زهر نیز در جامعه پزشکی ایران منفور بوده است، بازتاب این موضوع را در قوانین ایران باستان و آموزه‌های دینی می‌توان دید. در ادامه دو مورد از این موارد را مرور می‌کنیم:

- پلوتارک مجازات زهر دهندگان را در ایران هخامنشی چنین می‌داند:

«سنگ پهنی است که سر زهر دهنده را روی آن گذارده سپس با سنگ دیگری آن را چندان می‌کوبند و می‌سایند که همه سر و روی کوفته شده تکه تکه می‌گردد[۵۲].»

- در ارداویراف نامه از آثار منسوب به دوره ساسانی در پرسش ارداویراف از ایزد آذر و سروش اهلو درباره دلیل مجازات روان یک زن بدکار، چنین پاسخ داده می‌شود:

«این روان آن زن دروند است که در گیتی زهر و روغن افسون کرده داشت و به خورد مردمان داد[۵۳].»

از گفتار بالا به روشنی نکوهش استفاده از سم نزد ایرانیان آشکار می‌شود.

۳-٤- پادزهرها

---

[۵۲]- ایرانیان و یونانیان، پلوتارک، ص۲۱۲

[۵۳]- ارداویراف نامه، ص۹۰ فصل ۸٤، بند۳و٤

زهر و سم در ایران قدیم نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کرده است. دادن زهر و سم و گیاهان سمی و یا آلوده نمودن تیرها و نیزه‌ها به زهر در آن دوران میان جنگجویان بسیار رایج بوده است و همین امر باعث شده تا دانشمندان در پی ماده ضد زهر و سم باشند. از ضد سم‌های ایران می‌توان به انواع پادزهرها و نوش داروها اشاره نمود. نفوذ دانش پادزهر آنچنان است که هزارها سال پس از کاربرد آن در ایران، امروزه در دانش امروزی Bezoar بر گرفته از واژه پادزهر فارسی به انواع پادزهرهای انسانی گفته می‌شود.[٥٤]

از جمله این پادزهرها در دنیای باستان " می" بوده است چنان که پلوتارک در تعریف وقایع عقب نشینی آنتونیوس از خاک ایران آنجا که سربازان رومی با خوردن گیاهی مسموم می‌شوند می‌گوید: «می‌که پادزهر مشهور است، آن نیز چاره به درد ایشان نمی‌کرد. [٥٥]»

در بندهش نیز از انگور با عنوان خون کودک رز نام برده شده که از آن "می"می گیرند و خون زا است. [٥٦]

---

[٥٤]- ضد سم‌های سنتی، محقق زاده، ص ٥١٠

[٥٥]- ایرانیان و یونانیان، پلوتارک، ص٤٦٥

[٥٦]- بندهش، فرنبغ دادگی، ص٧٨

البته مطابق آموزه‌های اوستا نوشیدن مشروبات مسکر از جمله هوم منع شده بود[۵۷] وجز در موارد درمانی و شاید مذهبی (در مورد هوم) مجاز نبوده است.

کوزه‌ای سفالین با نقش بز پادزهر(bezoar goat) متعلق به ۳۵۰۰ ق.م در موزه McClung Museum جالب توجه است[۵۸]. (تصویر۲)



تصویر۱: ظرفی سفالین با نقش بز پادزهرساز، موزه McClung

موارد اشاره شده فوق نشانه‌هایی از اهمیت و وجود ساختار و نظام منظمی در شاخه‌های مرتبط با علم سم شناسی در ایران باستان است.

۵- حقوق و حمایت مدنی از پزشکان

---

[۵۷]- تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، گیرشمن، ص۲۱۲

[۵۸]- http://mcclungmuseum. utk. edu/specex/witwine/witwine. htm (۲۰۰۷/۱۰/۲۰)

در رابطه با حقوق پزشکان، خدمات و حمایت‌های اجتماعی از این حرفه این موارد قابل ذکر است.

در وندیداد، فرگرد ۷، اشاره‌ای کوتاه به قسمتی از اجرت پزشکان شده است: «بند٤١. پزشک باید موبد را در برابر آفرین و آمرزش خواهی وی، خانه خدا را به ارزش ورزاء[۵۹] کم بهایی، دهخدا را به ارزش ورزاء میانه بهایی، شهربان را ارزش ورزاء پربهایی و شهریار را به ارزش گردونه چهار اسبه درمان کند. بند٤٢. بانوی خانواده را به ارزش ماده خری، همسر دهخدا را به ارزش ماده گاوی، همسر شهربان را به ارزش مادیانی و شهربانو را به ارزش ماده اشتری درمان کند[٦٠].» بدین سان اجرت پزشکان بر اساس توانایی مالی طبقات اجتماعی تنظیم شده است و تمامی اقشار جامعه می‌توانستند از خدمات پزشکی استفاده کنند، موبدان و طبقه روحانیون نیز در برابر دعا و آمرزش ایشان مورد مداوا قرار می‌گرفتند.

پزشکان ایرانی مورد توجه حکومت و جامعه بوده اند، از این رو یکی از حمایت‌های مدنی از ایشان در برابر پزشکان خارجی اینچنین بوده

۵۹- گاو نر

٦٠- اوستا، جمع آوری تصحیح جلیل دوست خواه، صص ۷۳٦و۷۳۷

است: «اگر کسی با این که به طبیب ایرانی دسترسی داشت، به یک نفر طبیب بیگانه رجوع می‌نمود، گناهی مرتکب شده بود.[٦١]»

[٦١]- ایران در زمان ساسانیان، کریستین‌سن، ص٤٠٧، به نقل از دینکرد

نتیجه

اطلاعات ارائه شده اشاراتی به مسائل اخلاق پزشکی ایران باستان دارد. بی تردید بسیاری مطالب تخصصی و قوانین اجتماعی در این رابطه در طول زمان زایل شده و به دست ما نرسیده است. اما همین اندک اطلاعات به جا مانده، وجود و عمق اخلاق را در پزشکی ایران باستان به خوبی نشان می‌دهد و می‌توان چنین انتظار داشت که این اصول در زمان خود بسیار کامل‌تر و غنی‌تر از یافته‌های امروزین آن بوده و نشان از ریشه‌های اخلاق و حقوق پزشکی در میان یکی از تمدن‌های مهم تاریخ دارد. این گونه پژوهش‌ها می‌تواند به عمق بخشی تاریخ تمدن و افزایش خودباوری ایرانیان منجر شود.

فهرست منابع:

۱- ابوریحان، الصیدنه فی الطب، ترجمه باقر مظفرزاده، ناشر: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. گروه نشر آثار، چاپ اول ۱۳۸۳

۲- منسوب به ابوعلی سینا، ظفرنامه، به تصحیح دکتر غلامحسین صدیقی، ناشر: دانشگاه بوعلی سینا و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، همدان، چاپ دوم ۱۳۸۳

۳- ابوالمعالی نصرا... منشی، ترجمه کلیله و دمنه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، انتشارات امیرکبیرچاپ بیست و ششم ۱۳۸۳

٤- ابوالکلام آزاد، کوروش کبیر(ذوالقرنین)، ترجمه باستانی پاریزی، نشر علم، چاپ یازدهم، ۱۳۸٦

۵- آرتورکریستین‌سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، انتشارات نگاه، چاپ مکرر (اول نگاه) ۱۳۸٤

٦- ارداویراف، ارداویراف‌نامه، ترجمه وتحقیق ژاله آموزگار، انتشارات معین و انجمن ایرانشناسی فرانسه، چاپ دوم ۱۳۸۲

۷- بهرام فره وشی، فرهنگ فارسی به پهلوی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم تابستان ۱۳۸۱

۸- پلوتارک، ایرانیان و یونانیان، ترجمه احمد کسروی، انتشارات جامی، چاپ اول ۱۳۸۰
۹- جلیل دوستخواه، اوستا، نشر مروارید، چاپ دهم ۱۳۸۵
۱۰- رضا مرادی غیاث آبادی، کتیبه‌های هخامنشی، انتشارات نوید شیراز، چاپ دوم ۱۳۸۳
۱۱- عبدالعلی محقق زاده، ضد سم‌های سنتی، شهره علیپور، در مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت حکیم سید اسماعیل جرجانی، تهران: انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی
۱۲- عبدالعلی محقق زاده، محمد حسین مروت، یونس قاسمی، محمد رضا شمس اردکانی، کنکاشی در علوم پزشکی ایران باستان، در مجموعه مقالات به مناسبت بزرگداشت استاد دکتر محمدرضا محرری، ناشر: فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول ۱۳۸۵
۱۳- فرنبغ دادگی، بندهش، گزارنده مهرداد بهار، انتشارات توس، تهران، چاپ سوم ۱۳۸۵
۱٤- فوتیوس، خلاصه تاریخ کتزیاس، ترجمه دکتر کامیاب خلیلی، نشر کارنگ، چاپ اول بهمن ۱۳۸۰

۱۵- کلاوس شیمپان، مبانی تاریخ اشکانیان، ترجمه کیکاوس جهانداری، نشر فرزان روز، چاپ اول ۱۳۸٤

۱٦- گزنفون، سیرت کورش کبیر، ترجمه وحید مازندرانی، انتشارات دنیای کتاب، چاپ دوم ۱۳۸۵

۱۷- هاید ماری کخ، از زبان داریوش، ترجمه دکتر پرویز رجبی، نشر کارنگ، چاپ پنجم ۱۳۷۹

۱۸- هردوت یونانی، تواریخ، ترجمه وحید مازندرانی، انتشارات افراسیاب، چاپ دوم ۱۳۸۰

19- http://mcclungmuseum. utk. edu

Abstract

Medical Ethics in Ancient Persia

Arman Zargaran، Abdolali Mohagheghzadeh، Younes Ghasemi، Mohammed Hosein Morovat *•

During the history، the geographical situation of Iran resulted in numerous horrible invasions of neighboring countries and extinction of the most ancient scripts. Because of that، most of the sciences and believes of those eras are ambiguous، so many people beliefs that Greece is the cradle and exalter of science and philosophy. Medical ethics is one of that. In this work، we try to clarifying the medical ethics principles and rules which were carried out in ancient Persia. By studying and investigating the remaining relics and inscriptions، ancient texts like Gathas، Vandidad، Ardavirafnameh، Dinkerd، the Greek and Roman scripts related to Iran such as the opuses of Herodotus،

*Department of Pharmacognosy، Faculty of Pharmacy and Pharmaceutical Sciences Research Center، Shiraz University of Medical Sciences، Shiraz، I. R. Iran .

Department of Medical Ethics، Shiraz University of Medical Sciences، Shiraz، I. R. Iran

Xenophon, Plutarco, Ctesias, and also works of contemporary researchers like Christensen and Schppmann, a general sketch of medical ethics role and principles is represented which includes: 1) Physician related ethics like treating people with the intention of God's approbation, and daily visiting of the patient; 2) Rules of medical organization like written permission of doing medicine; 3) Pregnancy and abortion laws; 4) Toxins and punishments of abusing toxins; and 5) Financial and public support of physicians. According to the mentioned results, medical ethics and its rules existed in Iranian medical society, even before the west .

Key words: Medical ethics, Ancient Persia, Public rules